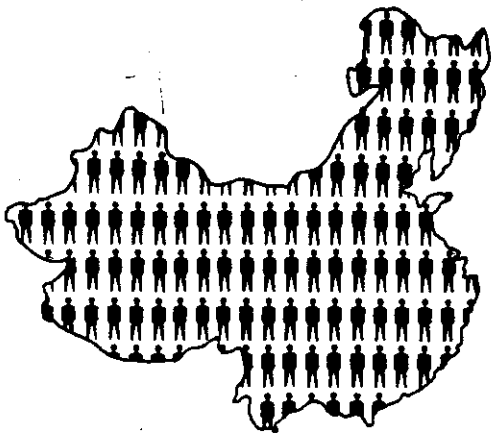


چین کمونیست و مسایل جمعیتی آن

ترجمه از: دکتر علی اصغر نظری



از نشریه بنیاد تحقیقات علوم

جمعیت چین: آوریل ۱۹۸۴

(جدول شماره یک)

با نگاهی کنجکاو و همه جانبه به کشور چین معلوم می شود که این سرزمین با ۲۲/۶ درصد جمعیت جهان، بیش از هر کشور دیگری دارای جمعیت است. با آنکه اکنون بیش از یک میلیارد و یکصد میلیون نفر جمعیت دارد، اما براساس آخرین آمار سراسری از جمعیت خود، در روز اول جولای ۱۹۸۲ جمعیت آن ۱۰۰۳۱۰۸۸۲۰۵۱۱ نفر بوده است. از رقم فوق ۱۰۰۵۸۰۱۷۵۰۲۸۸ نفر در ۲۹ استان، مناطق خود مختار و شهرستانهایی که مستقیماً تحت نظر دولت مرکزی اداره می شوند استقرار داشته اند. در آن هنگام مطابق آماری که مقامات دولت تایوان (چین ملی) ارائه دادند ۱۸۰۳۲۸۰۵۹۶ نفر در استان تایوان، چین من و جزایر مازو در استان فوجی (چین کمونیست اکنون بر مناطق فوق و هونگ کنگ و ماکائو حاکمیت ندارد) پراکنده بوده اند. علاوه بر آن، بر پایه آماری که مقامات هونگ کنگ و ماکائو ارائه داده اند، ۵۰۳۷۸۰۶۲۷ نفر چینی نیز در آن بنادر زندگی می کرده اند.

(جدول ۱)

بر جمعیت ترین قسمت چین استان سیچوان است که بیش از ۱۰۰ میلیون نفر جمعیت دارد. از سوی دیگر ایالت خود مختار تبت با ۱/۹ میلیون نفر کم جمعیت ترین استان چینی را تشکیل می دهد.

آمار ۱۹۶۴ چینی بیانگر این نکته است که در آن زمان تراکم نسبی جمعیت این سرزمین ۷۴ نفر بوده، در حالیکه تراکم فوق، در سال ۱۹۸۲ به ۱۰۷ و اکنون به ۱۱۳ نفر رسیده است.

منطقه	جمعیت	منطقه	جمعیت
آن هونی	۴۹۰۶۶۵۰۷۲۴	یون نان	۳۲۰۵۵۳۰۸۱۷
فوجی	۲۵۰۹۳۱۰۱۵۶	تبت	۱۰۸۹۲۰۳۹۳
جیانگسی	۳۳۰۱۴۸۰۸۲۷	شانگسی	۲۸۰۹۰۴۰۴۲۳
شاندونگ	۷۴۰۴۱۹۰۵۵۴	گانسو	۱۹۰۵۶۹۰۲۶۱
هنان	۷۴۰۴۲۲۰۷۳۹	قینقائی	۳۰۸۹۵۰۷۵۶
هوبئی	۴۷۰۸۰۴۰۱۵۰	تینگزیا	۳۰۸۹۵۰۵۷۸
هونان	۵۴۰۵۰۸۰۸۵۱	سین کیانگ	۱۳۰۵۸۱۰۶۸۱
گوانگ دونگ	۵۹۰۲۹۹۰۲۲۵	تایوان	۱۸۰۲۷۵۰۷۴۹
گوانگسی	۳۰۰۴۲۵۰۹۶۵	هونگ کونگ و ماکائو	۵۰۳۷۸۰۶۲۷
سیچوان	۹۹۰۷۱۳۰۳۱۵	کادر خدماتی	۴۰۲۳۸۰۲۱۵
گوزو	۲۸۰۵۵۲۰۹۹۷	وزنها	۹۰۲۳۵۰۶۸۷
تیان چین	۷۰۷۶۴۰۱۴۱	بیجینگ	۵۳۰۵۵۰۸۷۵
شانسی	۲۵۰۲۹۱۰۳۸۹	هیتی	۱۹۰۲۷۴۰۲۷۹
لیائونینگ	۳۵۰۷۲۱۰۶۹۳	منغولستان داخلی	۲۲۰۵۶۰۰۵۵۳
هیلائنگ جیانگ	۳۲۰۶۶۵۰۵۴۶	جین من	۱۱۰۸۵۹۰۷۲۸
جیانگ سو	۶۰۰۵۲۱۰۱۱۴	شانگهای	۳۸۰۸۸۴۰۶۵۳
		ژجیانگ	

(جدول شماره دو)

سال	سن	درصد استانیهای اصلی، شهرستانها و مناطق خودمختار	درصد هیتی، هنان و زجیانگ	درصد هسی	درصد هنان	درصد زجیانگ
۱۹۵۳	۰-۱۴	۳۶/۲۸	۳۵/۷۰	۳۵/۹۸	۳۵/۷۱	۳۵/۲۴
	۱۵-۶۴	۵۹/۳۱	۵۹/۰۱	۵۷/۷۸	۵۹/۱۶	۶۰/۶۸
	+۶۴	۴/۴۱	۵/۲۹	۶/۲۲	۵/۱۳	۴/۰۸
۱۹۶۴	۰-۱۴	۴۰/۴۱	۴۰/۵۳	۴۰/۹۶	۳۹/۷۵	۴۱/۲۳
	۱۵-۶۴	۵۵/۷۲	۵۵/۰۰	۵۴/۲۵	۵۵/۹۴	۵۴/۵۵
	+۶۴	۳/۸۷	۴/۴۷	۴/۷۹	۴/۳۱	۴/۲۲
۱۹۸۲	۰-۱۴	در حال	۳۲/۲۸	۳۰/۷۸	۳۴/۹۰	۲۹/۳۰
	۱۵-۶۴	محاسبه	۶۲/۲۳	۶۳/۵۵	۵۹/۸۸	۶۴/۹۵
	+۶۴		۵/۴۹	۵/۶۷	۵/۲۲	۵/۷۵

۱۹۷۰ درصد ۱۵ سالگان چین یائسین تر از درصد این گروه سی در کشورهای در حال رشد بوده است، (این رقم در سال ۱۹۸۲ برای کشورهای در حال رشد ۳۹ درصد ذکر گردیده است).

۲ - درصد میناسالان جمعیت، رشد فوق العاده ای را نشان می دهد.

۳ - درصد افراد بالاتر از ۶۵ سال یائسین و ثابت مانده و فقط ۵ درصد از کل جمعیت را شامل گردیده است.

۳ - ساختمان نژادی: در روز اول جولای ۱۹۸۲، ۲۹ استان اصلی، مادر شهرها و مناطق خود مختار، ۹۳۶/۷ میلیون نفر از جمعیت را قوم هان و ۶۷/۲۳ میلیون نفر را اقلیت های دیگر که به ترتیب ۹۳/۳، و ۶/۷ درصد جمعیت کشور را شامل بوده اند تشکیل داده بود.

مقایسه آمارهای ۱۹۶۴ و ۱۹۸۲ بیانگر این نکته است که تعداد جمعیت هان ۲۸۵/۴۱ میلیون نفر و با ۴۳/۸ درصد افزایش نشان می دهد، و این در حالی است که اقلیت های نژادی ۲۷/۳۱ میلیون نفر و با ۶۸/۴ درصد افزایش داشته اند. درصد اقلیت های نژادی نسبت به کل جمعیت از ۵/۸ درصد در سال ۱۹۶۴ به ۶/۷ درصد در سال ۱۹۸۲ رسید.

افزایش سریع جمعیت در اقلیت های چینی مربوط به سیاست های دولت می شود که جهت پیشبرد امور اقتصادی، فرهنگی و مسائل مربوط به خودگردانی مناطق، مورد حمایت دولت قرار می گیرند، کنترل افزایش جمعیت در مورد اقلیت ها با شدت و اعمال نظر شدید دولت روبرو نمی باشد، در حالیکه درباره نژاد هان که

پراکندگی جمعیت در قسمتهای مختلف چین از یکپارختی به دور و ناهماهنگ می باشد. از ۲۹ استان، مناطق خود مختار و شهرستانهای که مستقیماً زیر نظر دولت مرکزی اداره می شوند، ۱۷ استان، ۳ شهرستان و یک منطقه خود مختار در طول نوار ساحلی اقیانوس کبیر، تراکم جمعیت آنها از ۲۳۲/۷ نفر در کیلومتر مربع در سال ۱۹۶۴ به ۲۲۰/۶ نفر در ۱۹۸۲ رسیده است، که افزایش آن در فاصله دو زمان مذکور به ۳۷/۸ درصد می رسد.

تراکم جمعیت در ۱۸ استان و مناطق خود مختار داخلی از ۴۷/۳ نفر در کیلومتر مربع به ۷۱/۴ نفر افزایش یافته که این رشد برابر با ۵۰/۹ درصد می باشد. در مناطق کم جمعیت مانند: تبت، قینقائی، سین کیانگ، گانسو، نینگ زیا و مغولستان داخلی پراکندگی جمعیت بسیار زیاد و تراکم آن از ۷/۲ نفر در کیلومتر مربع به ۱۱/۸ نفر بالغ گردیده است که برابر با ۶۳/۹ درصد افزایش نشان می دهد.

مسائل جمعیتی چین با ویژگیهای خاصی در رابطه است که در زیر به پاره ای از آنها اشاره می شود:

۱ - ساختمان جنسی جمعیت: در روز اول جولای ۱۹۸۲ جمعیت مردان چین به ۵۱۹،۴۳۳،۳۶۹ نفر رسید که ۵۱/۵ درصد کل جمعیت را در استانهای اصلی مناطق خود مختار و شهرهای عمده شامل می گردید، در همین زمان جمعیت زنان این کشور ۴۸۸،۷۴۱،۹۱۹ نفر و به گفته دیگر ۴۸/۵ درصد کل جمعیت را تشکیل میداد. در این سال نسبت زنان به مردان ۹۳/۷ به ۱۰۰ نفر بوده است.

در چین قدیم تعداد زنان و مردان با یکدیگر دارای اختلافی زیادی بوده است. آمار بدست آمده از زمان زانتونگ امپراطور چین (۱۱-۱۹۰۹ میلادی) که در سال ۱۹۱۲ منتشر گردیده است، نشان می دهد که در برابر هر ۱۰۰ مرد چینی ۷۸/۴ نفر زن وجود داشته است. بر اساس همین آمار تعداد زنان در آن هنگام ۱۶۶،۱۰۷،۶۵۴ نفر و تعداد مردان ۲۰۲،۰۳۸،۸۶۶ نفر ثبت گردیده است. آمار دیگری که بین سالهای ۱۹۳۲ و ۱۹۳۹ به مرحله اجراء درآمده، نسبت زنان به مردان را ۸۸ به ۱۰۰ نفر نشان داده است. در سال ۱۹۵۳ اولین آمار سراسری از چین جدید (کمونیست) انجام و بر اساس آن در برابر هر ۱۰۰ نفر مرد ۹۲/۵ نفر زن و در دومین آمار سراسری که در سال ۱۹۶۴ به عمل آمد در مقابل هر ۱۰۰ نفر مرد ۹۴/۵ نفر زن ثبت گردیده است.

۲ - ساختمان سنی: بر پایه آمار سالهای ۱۹۵۳، ۱۹۶۴ و ۱۹۸۲ که آمارهای منتخب چین می باشد، ساختمان سنی جمعیت دارای نکاتی است که در جدول شماره ۲ به نمایش درآمده است.

از آمار استانهای منتخب در جدول ۲ چنین فهمیده می شود که:

۱ - ۳۲ درصد از کل جمعیت این کشور در سال ۱۹۸۲ کمتر از ۱۵ سال سن داشته اند. بر اثر کاهش در نرخ زاد و ولد در دهه

اکثریت جمعیت را تشکیل می دهند، کنترل شدیدی در رابطه با افزایش جمعیت اعمال می گردد. بر این اساس پاره ای از اقلیتها نسبت به سایر گروههای نژادی رشد جمعیتی سریعی دارند. قوم قیانگ در ایالت سیچوان جمعیتش از ۴۹۰۱۰۵ نفر در ۱۹۶۴ به ۱۰۲۰۷۶۸ نفر در ۱۹۸۲ بالغ گردید. بنابراین افزایشی در حدود ۱۰۹/۳ درصد در آن به عمل آمده است.

نمونه دیگر، اقلیت نژادی هزن *Hezhen* است، که از ۷۱۸ نفر به ۱۰۴۷۶ نفر افزایش یافته که این افزایش برابر با ۱۰۳/۶ درصد می باشد.

از ۵۵ اقلیت نژادی موجود در ۲۹ استان، شهرهای بزرگ و مناطق خودمختار ۱۵ اقلیت هر کدام دارای جمعیتی بیش از یک میلیون نفر می باشند.

این گروههای نژادی عبارتند از: ژوانگ، هوی، اویغور، یی، میائو، مانجو، تبتی، مغولی، توجی، بوئی - کرهای، دونگ، پائو، بای و هانی. سیزده اقلیت نژادی هر یک جمعیتی بین ۱۰۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ نفر دارا می باشند. این اقلیتها عبارتند از: قزاق، بای، لی، دیسو، شی، لاهو، وا، شوئی، دونگ زیانگ، ناکزی، تو، قرقیز و قیانگ. هفت اقلیت هر یک دارای جمعیتی بین ۵۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰ نفر می باشند. این اقلیتها عبارتند از: دائور، جینگ بو، مولام، زبیه، سالار، بلانگ و گلو. بیست اقلیت دیگر هر یک دارای جمعیتی کمتر از ۵۰۰۰۰۰ نفر می باشند که عبارتند از: مائونان، تاجیک، بومی، نو، آچانگ، ایونگی، جینو، اوزبک، جینگ، بنگ لونگ، یوگور، بونان، موئین، با، درانگ، اروکن، تاتار، روس، لپهویا و هزن.

۴ - سطح تحصیلات: در روز اول جولای ۱۹۸۲، در کشور چین ۴/۴۱ میلیون نفر فارغ التحصیل دانشگاهی، ۱/۶ میلیون نفر در حال تحصیل در دانشگاه، ۶۶/۴۷ میلیون فارغ التحصیل دبیرستانی، ۱۷۸/۲۷ میلیون نفر فارغ التحصیل سیکل اول و

۳۵۵/۱۶ میلیون نفر دوره ابتدائی را به پایان رسانیده بودند. در مقایسه با سال ۱۹۶۴ فارغ التحصیل دانشگاهی ۳/۱۴ میلیون نفر، دوره کامل دبیرستان ۵۷/۳۶ میلیون نفر، فارغ - التحصیل سیکل اول ۱۴۵/۹۳ میلیون نفر و فارغ التحصیلان دوره ابتدائی ۱۵۹/۳۳ میلیون نفر افزایش نشان می دهند.

قبل از تأسیس جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ - ۸۰ درصد جمعیت چین بی سواد بوده است. از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۸ این کشور موفق گردیده است ۴۰ میلیون نفر بی سواد را با سواد نماید. در سال ۱۹۶۴ بی سوادان یا کم سوادان ۳۸/۱ درصد کل جمعیت چین را تشکیل می دادند، در حالیکه در ۱۹۸۲ تعداد بی سوادان چین به ۲۳/۵ درصد تقلیل یافته است. با اینحال برای ریشه کن کردن بی سوادی اقدامات انجام شده از سرعت زیادی برخوردار نبوده است.

۵ - نیروی کار در مشاغل مختلف: تعداد کارگران و نسبت آنان به کل جمعیت در ۳۰ سال گذشته پیوسته روبه افزایش بوده است.

بر اساس ارقام آماری در سال ۱۹۸۱ نیروی کار چین ۴۳۲/۸ میلیون نفر و با ۴۳/۴ درصد کل جمعیت در سال فوق بوده است. از این تعداد ۸۲/۷۲ میلیون نفر و با ۱۹/۳ درصد کارمند و حقوق بگیر دولت ۲۵/۶۸ میلیون و با ۵/۹ درصد عضو مالکیت - های اشتراکی در شهرها و شهرکها، ۱/۱۳ میلیون نفر و با ۰/۳ درصد شاغل در مالکیت های خصوصی (خود مالکی) و ۲۲/۲۷ میلیون نفر و با ۷۴/۵ درصد نیروی کار سرگرم فعالیت در مالکیت - های اشتراکی و یا خصوصی در گوشه و کنار کشور بوده اند (جدول ۳)

۶ - جمعیت شهری و روستائی:

آمار روز اول ماه جولای ۱۹۸۲ مبنی بر این مسئله است که جمعیت شهری بالغ بر ۲۰۶۰۵۸۸۰۵۸۲ نفر بوده است که از این تعداد ۱۴۴۰۶۷۹۰۳۴۰ نفر در ۲۳۶ شهر و ۶۱۰۹۰۲۴۲ نفر (جدول شماره سه)

پراکندگی نیروی کار جمعیت (محاسبه در پایان سال ۱۹۸۱)

دیگران	عاملین و سازمانها	تحقیقات علمی - فرهنگی، آموزشی، بهداشت عمومی و رفاه اجتماعی	تجارت امور تغذیه و تهیه مواد	حمل و نقل پست و ارتباط دور	کشاورزی، جنگلداری، منابع آب و علوم - جوی	ساختمان و استخراج منابع طبیعی	صنایع	کل
۲/۸۴	۵/۵۵	۱۶/۴۵	۱۷/۲۲	۸/۳۳	۳۱۱/۷۱	۱۲/۷۴	۵۷/۹۶	۴۳۲/۸
۰/۷	۱/۳	۳/۸	۴	۱/۹	۷۲	۲/۹	۱۳/۴	۱۰۰

در ۲۰۶۶۴ شهرک سرگرم زندگی بوده‌اند.

در سال ۱۹۸۲ جمعیت شهرنشین چین رشد زیادی نشان داده و در مقایسه با آمار ۱۹۶۴ افزایشی برابر با ۲۹۰۴۸۵۰۵۴۱ نفر و یا ۶۲/۵ درصد داشته است که در مقایسه با ۴۵/۱ درصد کل جمعیت شهرنشین در سال ۱۹۶۴ بسیار چشمگیر است. نسبت جمعیت شهرنشین نسبت به کل جمعیت از ۱۸/۴ درصد در سال ۱۸۶۴ به ۲۰/۶ درصد در سال ۱۹۸۲ رسیده است.

رشد جمعیت بین سالهای ۱۹۲۹ و ۱۹۸۲:

در طول دو دهه اول تأسیس جمهوری خلق چین، توجه و امان نظر به کنترل رشد جمعیت به عمل آمده و مشخص گردید که در تمایل عمومی صرفنظر از اجرای قوانین شدید نمی‌تواند مانع از رشد فزاینده جمعیت باشد. با اینحال در طول سالهای ۱۹۷۰ سیاستهای شدید جلوگیری از رشد جمعیت به اجراء درآمد و رشد آترا سال به سال پائین آورد. در طول ۳۲ سال مجموع جمعیت افزایش یافته به ۴۶۶/۵ میلیون نفر رسید که در هر سال ۱۴/۳۵ میلیون نفر و نسبت رشد متوسط آن به ۱/۹ درصد رسیده است. با این وجود افزایش واقعی آن سال به سال به صورت قاطعی تفاوت داشته، و می‌توان آترا به چهار مرحله که دو نوسان افزایشی، یک کاهش شدید و یک کاهش ملایم است، تقسیم نمود.

۱- فاصله زمانی بین ۱۹۵۰ - ۱۹۵۷ اولین اوج افزایش در رشد جمعیت چین به شمار می‌رود. در طول این مدت جمعیت چین از ۵۴۱/۶۷ میلیون به ۶۴۶/۵۳ میلیون بالغ گردید. متوسط افزایش جمعیت در طول هر یک از سالهای فوق ۱۳/۱۱ میلیون نفر و نرخ رشد سالیانه آن به ۲/۲ درصد می‌رسد.

۲- فاصله زمانی بین ۱۹۵۸ - ۱۹۶۱ شاهد کاهش شدید در رشد جمعیت چین می‌باشد در طول این مدت جمعیت چین از ۶۴۶/۵۳ میلیون به ۶۵۸/۵۹ میلیون رسید که متوسط افزایش سالیانه آن به ۳/۰۲ میلیون بالغ گشته و متوسط نرخ رشد سالیانه آن به ۰/۵ درصد در سال می‌رسد.

۳- فاصله زمانی بین ۱۹۶۲ - ۱۹۷۳ اوج دیگری در رشد جمعیت چین به شمار می‌رود. در طول این مدت رشد جمعیت از ۶۵۸/۵۹ به ۸۹۱/۴۳ میلیون نفر رسید. هر یک از سالهای مدت زمان فوق به طور متوسط شاهد افزایش ۱۹/۴۰ میلیون نفر جمعیت می‌باشد و نرخ رشد سالیانه جمعیت در زمان بالا به ۲/۶ درصد می‌رسد.

۴- در فاصله زمانی ۱۹۷۴ تا روز اول جولای ۱۹۸۲ شاهد کاهشی در رشد جمعیت چین می‌باشیم. در طول این مدت جمعیت چین از ۸۹۱/۴۳ میلیون نفر به ۱۰۵۸/۱۷ میلیون نفر افزایش یافت. این بدان معنی است که در مدت فوق به طور متوسط در هر سال ۱۳/۷۳ میلیون نفر به جمعیت چین اضافه شده است که نرخ رشد سالیانه آن به ۱/۵ درصد می‌رسد.

رشد سریع جمعیت چین را می‌توان در رابطه با مسائل زیر دانست:

- ۱- کاهش شدید در نرخ مرگ و میر که ناشی از بهبود شرایط زندگی، مراقبت بهداشتی و پزشکی و کنترل امراض مسری و فراگیر که در هر بار انتشار، با شدت تمام، انسانهای بسیاری را هلاک می‌نمود. قبل از آزادی چین در سال ۱۹۴۹، نرخ مرگ و میر در حدود ۲۵ در هزار بود، بر اساس آمار مناطق منتخب در سال ۱۹۵۲ متوسط نرخ مرگ و میر به ۱۷ در هزار تنزل یافت. در سال ۱۹۶۵ این نرخ به ۹/۶ در هزار و در سال ۱۹۸۱ کاهش بیشتری یافته و به ۶/۳۶ در هزار رسید.

همراه با کاهش شدید در نرخ مرگ و میر، امید به زندگی در چین پیوسته رو به افزایش می‌باشد. در چین قدیم متوسط امید به زندگی به ۳۵ سال می‌رسید. امید به زندگی در سال ۱۹۵۷ تا ۵۹ سال و در سال ۱۹۸۰ تا ۶۹ سال بالا رفت. این افزایش نسبت به سالهای قبل از آزادی چین تقریباً تا دو برابر افزایش یافته است.

- ۲- نرخ زیاد زاد و ولد: تا قبل از ۱۹۷۱ کوششهای همه جانبه و فراگیر جهت تشویق به کنترل جمعیت به عمل نمی‌آمد. نرخ متوسط زاد و ولد سالیانه در طول دو دهه بعد از ۱۹۴۹ تا ۳۵- درصد افزایش یافت. در آغاز دهه ۱۹۷۰ روشهای صحیح تنظیم خانواده قادر گردید نرخ زاد و ولد را از تقریباً ۳۵ در هزار به حدود ۲۰ در هزار، و نرخ رشد طبیعی را از حدود ۲۵ در هزار به حدود ۱۵ در هزار تنزل دهد. در سال ۱۹۸۱ نرخ زاد و ولد به ۲۰/۹۱ در هزار رسید و نرخ رشد طبیعی به ۱۴/۵۵ در هزار کاهش یافت و در حال حاضر نرخ زاد و ولد همچنان رو به کاهش است.

در طول ۲۰ سال اول تأسیس جمهوری خلق چین، نرخ زاد و ولد این کشور به چند علت در سطح بالائی قرار گرفت:

اول اینکه چین در وضع اقتصادی عقب افتاده‌اش دارای مردمانی بود که زندگی خود را مخصوصاً "در مناطق روستایی از طریق کار با دست اداره می‌کردند. اقتصاد خانواده روستایی اساساً بر پایه تعداد افراد کارکن آن، و کیفیت و قدرت بدنی آنان ارزیابی می‌شد. علاوه بر آن کشور و مالکیت‌های اشتراکی هنوز قادر به تأمین بیمه همگانی در سطح گسترده نبودند. بنابراین بسیاری از روستائیان طالب داشتن بچه‌های بیشتر و بخصوص از جنس پسر بودند تا جهت افزایش درآمد خانواده و مراقبت و محافظت در ایام پیری مشر نم باشند، علاوه بر آن باورهای سنتی و آداب و رسوم جامعه دو هزار ساله فتوادالیم هنوز بر توده‌های روستایی تأثیر خود را برجای می‌گذاشت. این مسئله را در عباراتی مانند: بچه بیشتر خوشحالی زیادتر و... به چیز است که بی‌فرزندی و نداشتن اولاد و اخلاف بدترین آنها است... می‌توان درک کرد.

دوم: در طول سالهای متعددی یک فرضیه جمعیتی غلط انتشار یافته بود. بعد از آزادی چین، و زمانیکه جنگ طولانی به پایان رسید و تعداد کثیری از دهقانان از طریق اصلاحات ارضی صاحب

زمین شدند، مردم زیادی ازدواج کردند و بچه‌های زیادی متولد گردیدند. در دهه ۱۹۵۰ نرخ بالایی از رشد، در رابطه با دیدگاه‌های جامعه‌شناسان و اقتصاد دانان اوج گرفت. مائین چو متخصص اقتصاد که در آن زمان ریاست دانشگاه بیجینگ را به عهده داشت فرضیه جدید جمعیت را انتشار داد، که در آن عطف توجه به کنترل جمعیت و بالابردن کیفیت آنرا پیشنهاد کرده بود. متأسفانه از آنجا که یک فرضیه غلط مدتهای مدید در ذهن مردم جای گرفته بود، دیدگاههای مائین چو مورد توجه قرار نگرفت و این دلیل مهمی است که چرا در این مدت طولانی نرخ تولد چین در جنس سطح بالایی قرار گرفته است.

سوم: توده وسیعی از مردم هنوز دانش زیادی در رابطه با حقایق اصولی بولوژیکی زاد و ولد نداشتند و روشهای علمی جلوگیری از زاد و ولد حالت عمومی به خود نگرفته بود.

در نتیجه رشد جمعیت چین: از زاد و ولد زیاد - نرخ مرگ و میر بالا - نرخ رشد پائین که الگویی از چین قدیم بود به زاد و ولد زیاد - نرخ پائین مرگ و میر و نرخ رشد بالا که نمونه‌ای از دو دهه اول بعد از تأسیس جمهوری خلق چین بود، تغییر یافت و اکنون این حالت به الگویی از زاد و ولد پائین - مرگ و میر پائین - و نرخ رشد پائین مبدل می‌گردد.

اهداف کنترل جمعیت و معیارهای تنظیم خانواده: جهت سرعت بخشیدن به بنای سوسیالیسم برای مدرنیزاسیون و بهبود بخشیدن به شرایط زندگی مردم، چین مصمم گردیده است تا هدف کلّی خود را در افزایش ارزش ناخالص سالیانه تولیدات صنعتی و کشاورزی از ۷۱ میلیارد یوان در سال ۱۹۸۰ به ۲۰۸۰۰ میلیارد یوان و یا در این حدود در سال ۲۰۰۰ برساند. در همین حال هدف دولت این است که تا آن تاریخ جمعیت در سطح ۱۰۲۰۰ میلیون نفر ثابت بماند. اگر این هدف (کنترل جمعیت) به موفقیت بیانجامد، ارزش درآمد سرانه ناخالص تولیدات صنعتی و کشاورزی از ۷۱۹/۶ یوان در سال ۱۹۸۰ به ۲/۲۳۳۳/۳ یوان در سال ۲۰۰۰ افزایش خواهد یافت. در آن هنگام درآمد مردم شهر و روستا چندبرابر افزایش یافته و منجر به ایجاد سطحی از زندگی راحت خواهد شد.

جهت به اجراء درآوردن اهداف کنترل جمعیت که در بالا به آن اشاره گردید، افزایش جمعیت در طول هجده سال و نیم، از زمان انجام آخرین آمار جمعیتی در روز اول جولای سال ۱۹۸۲ تا سال ۲۰۰۰ باید در محدوده ۱۹/۸۲ میلیون، که متوسط سالیانه آن ۱۰/۲۷ میلیون نفر خواهد بود کنترل گردد. جهت ایجاد تعادل بین زاد و ولدها و مرگ و میرها - موالید سالیانه باید در حد ۱۶ تا ۱۷ میلیون نفر کنترل و نرخ زاد و ولد سالیانه تدریجاً کنترل یافته و به ۱۶ در هزار که کاهشی در حدود ۱/۳ آنچه که نرخ رشد فعلی و بیش از ۲۰ در هزار است برسد. به هر جهت

اکنون واقعیت این است که در چین رقم پایه‌ای جمعیت، مخصوصاً جمعیت جوان فوق‌العاده بالا است. مثلاً "تعداد کسانی که کمتر از ۲۱ سال دارند به حدود ۵۰۰ میلیون نفر می‌رسد. و اینان نیمی از کل جمعیت چین را تشکیل می‌دهند، علاوه بر آن تعداد کل زاد و ولدها اکنون حالت اوجی دارد و این وضعی است که تا پیش از یک دهه به طول خواهد انجامید. با وجود این، حفظ جمعیت در حد ۱۰۲۰۰ میلیون نفر تا آخر این قرن و تا زمانیکه سیاست شدیدی در مورد دوازده میلیون زوجی که در هر سال ازدواج می‌کنند و می‌باید تا آخر عمر فقط یک بچه داشته باشند اعمال می‌گردد، امکان پذیر است. در این مورد می‌توان استان سیچوان یعنی پرجمعیت ترین استان چین را به عنوان نمونه مثال آورد. نرخ زاد و ولد در این استان از ۲۷/۱۶ در هزار در سال ۱۹۷۲ به ۱۷/۹۶ در هزار، در سال ۱۹۸۲ کاهش یافت و این موردی از موفقیت در کنترل جمعیت به شمار می‌رود.

تنظیم خانواده جزئی مهم از سیاست جمعیتی چین است. دوازدهمین کنگره ملی حزب کمونیست چین که در سپتامبر ۱۹۸۲ منعقد گردید، امر تنظیم خانواده را سیاست اصولی کشور قلمداد نموده است. البته این تصمیمی است که دارای اهمیت استراتژیک بوده و بر اساس تجارب و درس‌هایی که در طول ۳۰ سال گذشته و از زمان تأسیس جمهوری خلق چین بدست آمده بنا گردیده است. ماده ۲۵ قانون خلق چین تصریح دارد که "کشور، تنظیم خانواده را تا آنجا به پیش می‌برد که رشد جمعیت با توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ گردد. " خواسته‌های اصولی تنظیم خانواده " دیرازدواج کردن و دیر بچه آوردن، بچه کم داشتن، اما بچه سالم داشتن است.

دیر ازدواج کردن و دیر بچه آوردن: ماده ۵ قانون جدید ازدواج برای این صراحت دارد که دیر ازدواج کردن و دیر بچه آوردن باید مورد تشویق قرار گیرد، و سن قانونی ازدواج برای پسران ۲۳ و برای دختران ۲۱ سال باشد. به گفته دیگر، ازدواج برای هر دو جنس زن و مرد اگر سنشان از آنچه ذکر گردید تجاوز نماید قانونی و ازدواج دیر وقت نامیده می‌شود، و زنی که در سنی ۲۴ یا بعد از آن بچه آورد، دیر بچه دار تلقی می‌گردد. دیر ازدواج کردن و دیر بچه دار شدن رل بسیار مهمی در از بین بردن زاد و ولدهای زیاد داشته، و رشد جمعیت را کاهش می‌دهد. اگر سن بچه دار شدن در ۲۰ سالگی تثبیت گردد در طول یک قرن پنج نسل تولید خواهد یافت. اگر در ۲۵ سالگی تثبیت گردد در همان زمان چهار نسل بدنیا خواهد آمد. از طرفی دیر ازدواج کردن و دیر بچه آوردن، وقت و شانس بیشتری جهت نسل به مطالعه و کار و پیشرفت و استحکام خانواده، به جوانها می‌دهد.

کم بچه دار شدن: روحها مجبورند فقط یک بچه داشته باشند، اما اگر زوجها دارای مشکلاتی باشند، مثلاً "اولین بچه آنها مثلاً



شد توصیه و خدمات می‌دهند. در همین حال در امور نظافت سردهی، مراقبت‌های بهداشتی در طول بارداری، زایمان و تغذیه به مادران سفارشات اکید و تعلیمات اولیه کودک داده می‌شود. جهت دست یابی به معیارهای کنترل رشد جمعیت در کسب تحارب لارم برای تنظیم خانواده، دولت اقدامات زیر را به عمل آورده است:

۱- رشد تنظیم یافته خانواده: در دهه ۱۹۷۰ رشد جمعیت در رابطه با مواد تولیدی و هماهنگی آنها با یکدیگر آغاز گردید. در ایجاد برنامه پنج ساله یا یک ساله، طرح تولید مواد، همچون برنامه ریزی در امر رشد جمعیت در طول زمان همبای هم تنظیم می‌گردد. بطوریکه با تعداد تولد بچه‌های جدید، گروه‌های تولیدی و تک تک خانواده‌ها در هر کمون تولید خود را تنظیم می‌کنند.

۲- تعلیم و گسترش تنظیم خانواده: دولت فرستاده‌های رادیو و تلویزیون، انتشارات، فیلمها و غیره را جهت ارتقاء

به نوعی بیماری گردد که از رسیدن به یک فرد کارآمد بازماند به زوجه اجاره داده می‌شود تا فرزند دیگری بدنيا آورد، و کسانی که قبل از به اجراء درآمدن این قانون دارای دو بچه بوده‌اند، تنویج می‌گردند تا با معیارهای مخصوص از تولد بچه سوم معافیت به عمل آورند. تنظیم خانواده به اقلیت‌های نژادی سر دیکته می‌گردد، اما شدت آن کمتر خواهد بود.

بچه‌های سالم داشتن: هدف از تنظیم خانواده تنها جلوگیری از رشد جمعیت نیست، بلکه بالا بردن کیفیت جمعیت و در درجه اول تضمین سلامتی جسمی و فکری بچه‌ها می‌باشد.

دولت چین از ازدواج بین منوسین نزدیک جهت جلوگیری از انتقال امراض ارثی و یا ناتوانی‌هایی که از امراض ارثی ناشی می‌شود معافیت به عمل می‌آورد. بسیاری از بیمارستانها و مراکز تنظیم خانواده با دختران و پسران جوان مشورت در امور ازدواج، امراض توارثی و سایر جنبه‌ها که منجر به تولد بچه‌های سالم خواهد

تنظیم خانواده بکار می‌گیرد و از طریق آنها فواید کنترل رشد جمعیت در جهت مدرنیزه کردن چین برای توسعه اقتصادی و جهت بهبود سطح زندگی خانواده‌ها تبلیغ می‌گردد. همزمان با امور تبلیغی عقاید خرافی مانند « مرد قابل احترام است در حالیکه زن فرومایه است » و « بچه بیشتر خوشحالی زیادتر » پیوسته مورد انتقاد قرار گرفته و توجه به محافظت از دختر بچه‌ها دامنه دارتر شده است. فقط از این طریق است که تنظیم خانواده بخشی از پذیرشهای عمومی و الگو جامعه گشته و مادران دختر بچه‌ها از تبعیض در امان خواهند ماند. در بعضی از مناطق تعلیم و نشر مسائل مربوط، تئوری دانش اجتماعی را بوجود آورده و تنظیم خانواده اهمیت به تولد و پرورش بچه‌های سالم، اهمیت خاصی کسب کرده است.

۳ - تمرین سیستم مسئولیت و معیارهای اقتصادی لازم در تنظیم خانواده: برنامه پنج ساله ششم (۸۵ - ۱۹۸۱) برای اقتصاد ملی چین و پیشرفت اجتماعی کنور همزمان با اشکال مختلف سیستم مسئولیت برای تولید جهت سراسر کشور به اجراء درآمده است و همراه با آن سیستم مسئولیت‌های مربوط به تنظیم خانواده بایستی به اجراء درآید.

اکنون بسیاری از روستاها، سیستم قراردادی و مسئولیت شخصی سیستم تنظیم خانواده را تجربه می‌کنند. در سیستم قراردادی، واحدها و گروههای تولیدی قرارداد تنظیم خانواده را با زوجهای که در مرحله بچه‌آوری هستند به امضاء می‌رسانند و در مسئولیت‌های شخصی تنظیم خانواده، کادرهای اساسی آگاه و وارد به تنظیم خانواده با واحدهای مراکز بهداشتی و سایر مراکز پزشکی قرارداد - هائی را به امضاء می‌رسانند که هدف آن کمک‌های مربوط به کنترل تولد از طرف مسئولین و اطمینان خاطر از طرف زوجها است که این کمکها با خواست آنان هماهنگی دارد.

در حالیکه در تنظیم خانواده تأکید بر تعلیم و آموزش فشرده می‌باشد، دولت‌های محلی ضوابط خاص مطمئنی را که کمک به تنظیم خانواده می‌نماید تهیه می‌کنند. این ضوابط خاص، در بر گیرنده جنبه‌های پاداشی و مجازات نیز هست که در این مورد به جنبه پاداشی تأکید بیشتری می‌شود. در تمام قسمت‌های چین نسبت به زوجهای که دارای یک فرزند هستند تشویق به عمل آمده و جوایزی به آنها داده می‌شود. در این میان به تک فرزند - هائی که در کودکانها، کارخانه‌ها و واحدهای درمانی هستند توجیهی خاص گشته و همچنین به خانواده‌های تک اولادی که در شهرها و شهرکها و مراکز روستائی پراکنده‌اند توجه زیادی سدول می‌گردد.

۴ - ارائه راهنماهای تکنیکی در کنترل موالید و استفاده از موانع به عنوان اصولی‌ترین روش کنترل زاد و ولد: جنس منابع عطیمی از وسایل بازدارنده و مؤثر را تحت نظر و راهنمایی

پرسنل پزشکی اختصاص داده است، و هر زوجی که در ستین باروری هستند، هر یک از روشهای بازدارنده ممکن را انتخاب می‌نمایند، و چنانچه آبتستی ناخواسته‌ای اتفاق افتد، از وسایل سقط جنین که در دسترس می‌باشد استفاده خواهد شد.

جهت کاهش دادن مشکلات اقتصادی مردم، دولت وسایل بازدارنده عملیات سقط جنین و عقیم سازی را «جانا» در اختیار مردم می‌گذارد. چنانچه فردی به سقط جنین و یا به عمل عقیم سازی مبادرت ورزد از مرخصی معمول با حقوق کامل بهره‌مند خواهد شد. بهره‌ای از کارخانه‌ها، معادن، واحدها و گروههای تولیدی به این موضوع جنبه قانونی داده و به عنوان سوسید از آن استفاده می‌کنند، از طرفی چنانچه فردی به هر یک از اقدامات فوق مبادرت ورزد، به طرق مختلف مورد حمایت قرار خواهد گرفت.

۵ - تأسیس بنیادهای تنظیم خانواده: در سال ۱۹۷۱ اداره تنظیم خانواده شورای ایالتی تأسیس گردید و بعد از آن بنیادهای تنظیم خانواده یکی پس از دیگری تحت نظر دولت‌های محلی بوجود آمد، بعد از آن در سال ۱۹۸۱ کمیسیون تنظیم خانواده کشوری ایجاد شد. در واحدهای خلقی، کارخانه‌ها، بنیادهای دولتی، مدارس و کمیته‌های مجاور، افراد تمام وقت و نیمه وقت مکلف گردیدند تا به اقدامات تنظیم خانواده مبادرت ورزند. این گروه امر تنظیم خانواده را در بین مردم توسعه داده و به طرحهای تک فرزندی به زوجها کمک کرده و مسائل وجودی آنها در کسب اطلاعات علمی بیشتر براساس سیاست جمعیتی دولت آموزش می‌دهند.

۶ - تقویت تحقیق در تئوری جمعیت: در سال ۱۹۷۱ وزارت آموزش چین تصمیم به ایجاد دوره‌ای از مطالعات جمعیتی و روش تحقیق در علوم جمعیت در مؤسسات آموزش عالی کشور گرفت. انستیتوی اقتصاد وابسته به آکادمی علوم اجتماعی چین کار تحقیقاتی خود را بر روی جمعیت آغاز نموده و خود را مهیای بنیاد مرکز تحقیقات جمعیت می‌نماید. بعضی از استانها شهرستانهای مستقل و مناطق خودمختار مؤسسات تحقیقات جمعیتی و یا ادارات وابسته به مسائل تحقیقاتی جمعیت را در سالهای اخیر بنا سهاده‌اند. در ماه فوریه ۱۹۸۱، انجمن چینی مطالعه جمعیت تأسیس یافت. از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱ به کنفرانس عمومی مربوط به علوم جمعیت برگزار گردید که تحقیقات جمعیتی در آنها مبادله و پیشنهاداتی جهت نیل به اهداف لازم به دولت ارائه نموده است.

